

احمد رضا احمدی در «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» با شجریان همکاری کرده است

جشن نامه ۸۰ سالگی محمد رضا شجریان



احمد رضا احمدی / شاعر



۴

پیش از انقلاب در «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» به عنوان مدیر تولید صفحه و کاست تصمیم گرفتم ردیف موسیقی ایران را به صورت صفحه در بیاورم در آن زمان سرپرست این کار «کامبیز روشن‌روان» بود. مایک مجموعه شامل ۱۰ صفحه که در بیشتر آنها شجریان آواز خوانده بود، در آوردم. مهم‌ترین تجربه و ویژگی او در این همکاری انضباط و جدی بودنش وقت کار بود، ضمن اینکه صدای فوق‌العاده‌اش (که در تاریخ موسیقی ایران تکرار نخواهد شد) اعتباری به این صفحه‌ها داد و افتخاری هم برای من بود. از آن زمان دوستی ما ادامه‌دار شد. زمانی که سخته کردم و در بیمارستان بستری بودم و حال خوبی ندا شتم به یکی از دوستان مشترک مان گفتم تنها خواسته‌ام در این لحظات این است که «دلم می‌خواهد قبل از مرگ محمد رضا شجریان را ببینم». او هنرمندی بی‌پیرایش است. کلمه «استاد» این روزها مبتذل شده و من دلم نمی‌آید به ایشان استاد بگویم بلکه او را هنرمند بزرگی می‌دانم که تولدش افتخاری برای موسیقی ایرانی است. او کارهای بسیاری برای موسیقی ایرانی انجام داده مثل ساختن سازهایی که هم خوش صدا هستند و هم اسم‌های زیبایی دارند. نکته قابل توجه در مورد کارهای شجریان این است که او از بین شاعران کهن ایران به سعدی ارادت بسیار دارد و بیشتر آوازهایی که خوانده از سعدی است؛ اما ویژگی قابل ستایش شجریان این است که بر خلاف اساتید موسیقی که معمولاً در آموزش خسیس هستند و هنر خود را آنچنان که باید به دیگران یاد نمی‌دهند، او بسیار دریادل است و هر آنچه می‌داند را به شاگردانش آموزش می‌دهد. من او را افتخار موسیقی ایرانی می‌دانم و باز هم تکرار می‌کنم و تکرار

می‌کنم که بعید است کسی همانند محمد رضا شجریان در موسیقی سنتی ایران ظهور کند و جذابیت او را در این می‌دانم که هم آواز و هم تصنیف را زیبا می‌خواند. حتماً می‌دانید که معمولاً خواننده‌ها تصنیف را خوب می‌خوانند اما در آواز تبحر و استادی ندارند اما او در هر دو جنبه استاد است. یکی از قطعات شجریان که همیشه در خاطرم هست قطعه‌ای در بیات ترک با تار جلیل شهنواز است که هم ساز و هم آواز هر دو استادانه است که بعدها همین قطعه را با تار هوشنگ ظریف هم در صفحات کانون در آوردم. پسرش همایون هم افتخار بزرگی است که از نظر من صدایش شباهت فراوانی به صدای زیبای پدرش دارد. برایش آرزوی سلامتی می‌کنم و همیشه از او خاطرات خوش دارم و وقتی گفتید از شجریان بگویم دستپاچه شدم و دیدم که اگر سکوت کنم خطاست.

۵

یک هزارم از محمد رضا شجریان

پارا فراتر می‌گذارم و او را پدر موسیقی ایرانی می‌نامم

شاهو عندیلبی / نوازنده

در مورد استاد گفتنی‌ها بسیار، و بسیار هم از او گفته‌اند اگر چه که در برابر وجود نازنین محمد رضا شجریان و خصایص اخلاقی و هنر او، هر چه گفته شود باز هم کم است، اما نکته‌ای که می‌خواهم به آن اشاره کنم این است که طی سالیانی که در گروه‌های «آوا» و «شهنواز» در خدمت ایشان بوده‌ام، شاهد دلسوزی و عشق او به هنر راستین و هنر موسیقی ملی ایرانی بوده‌ام. تنها دغدغه ایشان ارتقا و حفظ موسیقی ایرانی است و تمام جریانات حاشیه‌ای که در طی سال‌ها برایشان پیش آمد از نگاه خودشان نوعی حرکت در جهت موسیقی و هنر بود تا جایی که «مردم» در این میانه حضور داشته باشند؛ به عبارت دیگر هدف و نگاه ایشان به هنر، «مردم» و «ارتباط موسیقی با مردم» بود و هیچگاه خود را از مردم جدا نمی‌دانستند و در یاد ندارم که در هیچ لحظه‌ای خود و هنر خود را از مردم دریغ کنند.

بعد از تور کنسرت‌هایی که معمولاً بسیار خسته‌کننده بود. خصوصاً برای ایشان که به لحاظ سنی از بقیه بزرگ‌تر بودند و طبعاً در جریان سفر بیشتر هم خسته می‌شدند - از تک‌تک اعضای گروه کمتر خسته به نظر می‌رسید چون عاشق هنرش است و هنر را برای مردم می‌خواهد. برایش بسیار مهم بود که بعد از هر اجرا میان مردم برود، با آنها صحبت کند، عکس بگیرد و عکس‌العمل احساسی مردم را دریافت ببیند. من شخصاً شاهد بودم که بخش عمده‌ای از نیت ایشان برای حضور در این اجراها و کنسرت‌ها، برقراری همین ارتباط

احساسی با مردم بود. او همواره ناراحت وضعیت مردم بوده و هست و اگر از واقعه تلخی ابراز ناراحتی می‌کند، تظاهر نیست. در خلوت خود گریه‌ها کرده و آنچه به عنوان واکنش او در برابر اتفاقات تلخ دیده‌اید، شاید یک هزارم آنچه است که در قلب و سینه‌اش پنهان دارد.

جنبه دیگر شخصیت ایشان، همان‌طور که در ابتدا گذرا به آن اشاره کردم، توجه به موسیقی و مشکلاتی است که گاه بر سر راه موسیقی و هنر در این کشور به وجود می‌آید. یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های همیشگی‌اش استفاده از سازهای غربی در موسیقی ایرانی برای ارکستراسیون بود و نتیجه این نگرانی، ساختن سازهایی است که طراحی کردند. البته خودشان هم واقفاند که این سازها بی‌ایراد نیست اما نیت و هدف‌اش از ساختن این سازها، پروژه‌ای بود که متأسفانه به دلیل نداشتن متولی و عدم حمایت از موسیقی در کشور به شکل احساس وظیفه روی دوش‌شان سنگینی می‌کرد و طبعاً نیاز به توضیح نیست که تمام هزینه‌های چنین پروژه بزرگ و مهمی را شخصاً پرداخت کردند.

با اینکه این سازها با یک نگرش کاملاً علمی و هنری ساخته شده‌اند اما همچنان مهجور مانده‌اند که البته امیدوارم در آینده این سازها مورد حمایت قرار گیرند چون هدف استاد از ساختن سازها این بود که برای تنظیم و ارکستراسیون در محدوده صوتی موسیقی ایرانی به جای استفاده از سازهای غربی از این سازها که با مختصات ایرانی ساخته شده‌اند به عنوان سازهای زهی یا مضرابی موسیقی ایرانی در محدوده صوتی که قبلاً نبوده است بهره گرفته شود.

این دو ویژگی، در کنار دغدغه‌های اجتماعی-هنری

ایشان، از محمد رضا شجریان، الگویی بی‌بدیل در موسیقی معاصر ایران ساخته است و من پا را فراتر گذاشته و او را بی‌شک پدر موسیقی ایرانی می‌دانم و امیدوارم که خداوند به ایشان سلامتی عطا کند و سایه‌شان بر سر موسیقی این کشور مستدام باشد.

شاهو عندیلبی در کنسرت‌های بسیاری در مقام نوازنده نی با محمد رضا شجریان همکاری داشته است

